



## اقتضانات سنين هفت تا يازده سالگی / نقش دوستي ها در دوران کودکی

خصوصيات شخصيتي همچون خوشرويي، همکاري، مهرباني، صداقت، سخاوت، اعتدال و ميانه روي و تمايلات ورزشکارانه از مهمترين ويژگي هايي هستند که کودک براي انتخاب همبازي و رفيق به آنها اهميت مي دهد.

خصوصيات شخصيتي همچون خوشرويي، همکاري، مهرباني، صداقت، سخاوت، اعتدال و ميانه روي و تمايلات ورزشکارانه از مهمترين ويژگي هايي هستند که کودک براي انتخاب همبازي و رفيق به آنها اهميت مي دهد.

به گزارش خبرگزاری مهر، از ويژگي هاي رشد در دوره هفت تا يازده سالگی اجتماعي شدن کودک است. در اين دوره ميل به گروه همسالان به شدت افزايش مي يابد و کودکان از اينکه به تنهائي يا تنها با خواهران و برادران خود در خانه بازي کنند، قانع نمي شوند. آنها زماني که از همسالان خود دورند، احساس دلنگي و غم مي کنند و بر عکس زماني که با آنها هستند به شور و شغف مي آیند.

در اين دوره کودکان مي خواهند به صورت دسته اي و گروهي با همسالان خود به سر برند. بازي کودکان تنها زماني به اوج لذت خود مي رسد که کودکان بسياري در آن شرکت داشته باشند. در سر تاسر اين دوره، ميل به ارتباط با گروه همسالان به طور فزاينده اي وجود دارد و اين نياز به طور يکسان در دختران و پسران ديده مي شود.

از مهمترين انگيزه هاي دوستي کودکان در اين دوره، همبازي بودن آنان با يکديگراست. همبازي در اين دوران کسي است که در فعاليتها و کارهاي خوشايند و مطلوب با کودک شريك شود. همبازي بيشتري از جنس و سن او براي کودک مهم است؛ البته کودکان به ويژه پسران ترجيح مي دهند که همبازيهاي آنان از جنس خودشان باشند.

در اين دوره کودک علاوه بر همبازي بودن، انتظارات ديگري نيز از رفيق دارد؛ با او تبادل نظر مي کند، به راز گويي مي پردازد و ارتباط بيشتري برقرار مي کند. کودکان در اين دوره با يکي دو نفر از اعضاي گروه رابطه بيشتري به عنوان رفيق پيدا مي کنند. پسران بيش از دختران به داشتن رفيق تمايل نشان مي دهند، اگر چه آنان تمايل زيادي نيز به ارتباط گسترده با همه اعضاي گروه نشان مي دهند. به طور کلي دايره دوستي دختران چه با همبازي و چه با رفيق، محدودتر از پسران است.

عوامل متعددي در انتخاب رفيق و همبازي در اين دوره اثر مي گذارد؛ نخست اينکه به طور کلي، کودکان در اين دوره همبازيها و رفقا خود را از بين کسانی انتخاب مي کنند که با آنها هم جنس هستند و از يك سطح رشد برخوردارند و علايق و ارزشهاي مشابه دارند. دوم اينکه محيط مدرسه و محله بهترين مکانها براي انتخاب همبازي و رفيق است، زيرا کودک براي ارتباط با گروه همسالان با اين دو مکان بيشتر ارتباط دارد؛ سوم اينکه در اين دوره، ويژگي هاي شخصيتي کودکان نيز در انتخاب همبازي و رفيق اثر مي گذارد.

خصوصيات شخصيتي خوشرويي، همکاري، مهرباني، صداقت، سخاوت، اعتدال و ميانه روي و تمايلات ورزشکارانه از مهمترين ويژگي هايي هستند که کودک در اين دوره براي انتخاب همبازي و رفيق به آنها اهميت مي دهد.

خانواده هاي معاشرتي، روابط دوستانه بيشتري را در بين کودکان خود شايع مي سازند، زيرا الگوي آموزشي خوبي براي کودکان خود به شمار مي روند. در يك مطالعه زماني، کودکانی که به آنها برقراري روابط دوستانه با ساير کودکان آموزش داده شده بود. در مقايسه با کودکان ديگر از پيشرفت عمده اي در ايجاد اين گونه روابط برخوردار بودند.

ترتيب تولد نيز بر ايجاد روابط دوستي بين کودکان اثر مشخصي به جاي مي گذارد. مطالعات نشان داده که کودکان پس از فرزند اول، آمادگي بيشتري براي ايجاد روابط دوستانه دارند.

در دوره هفت تا يازده سالگی، با اينکه بين همبازيها و رفقا، صميميت و گرمي روابط وجود دارد، هر چند گاه نيز بين آنها ستيز و نزاع در مي گيرد. معمولا اين جنگ و ستيزها بعد از مدت کوتاهي به دوستي و رفاقت تبديل مي شود، اما همين ويژگي نوساني در روابط دوستانه کودکان، دوستي آنها را بي ثبات و ناپايدار مي سازد و روابط دوستانه آنها را به سرعت به روابط غير دوستانه تبديل مي کند. البته روابط دوستانه بين کودکان با افزايش سن محکم تر و پايدارتر مي گردد. دختران در سر تا سر اين دوره بيش از پسران داراي روابط دوستانه محکم و پايدار هستند.

چون کودکان در این دوره بیشتر وقت خود را در بازی و ورزش با همسالان صرف می کنند، کودکانی که قوی تر و برتر از سایر کودکان عضو گروه باشند، شانس بیشتری برای انتخاب شدن به عنوان رهبر گروه را دارند. البته کودکان رهبر علاوه بر مهارت در بازی و ورزش، باید از صفات شخصیتی ویژه ای مانند جوانمردی، همکاری، بخشندگی و صداقت نیز برخوردار باشند.

کودکانی که در این دوره در رهبری خود از موضع سلطه طلبی و اقتدار با کودکان دیگر برخورد کنند بزودی نقش خود را از دست می دهند؛ زیرا در این دوره، کودکان از ریاست طلبی و قدرت طلبی همسالانشان به شدت می رنجند و این ویژگی را در همسالانشان تایید نمی کنند. اگر رهبرگروه، نقش خود را به گونه ای ایفا کند که نیازهای کودکان دیگر ارضا شود، یک رهبری همیشگی و با ثبات به وجود خواهد آمد. این ثبات در رهبری، کودکان رهبر را قادر می سازد تا در مورد تواناییهای خویش احساس اعتماد به نفس زیادی داشته باشند. هنگامی که رهبر گروه، نیازهای اعضای گروه را برآورده نسازد بزودی جای خود را به یک رهبر دیگر خواهد داد.